

اشاره:

درباره مزیت‌های نسبی اقتصاد ایران مانند دسترسی به انرژی ارزان، کارگر فراوان، منابع زیرزمینی سرشار، موقعیت جغرافیایی راهبردی و ... بحث بسیاری از سوی مسؤولان نظام اقتصادی و کارشناسان و اساتید اقتصاد در رسانه‌های جمعی در سال‌های اخیر صورت گرفته است.

همگان بر وجود مزیت‌های نسبی فراوان در تولید کالاهای صنعتی، صحنه گذارده‌اند. اما متأسفانه آمار صادرات غیرنفتی به‌ویژه صدور کالاهای صنعتی این امر را تأیید نمی‌کند. البته این عدم‌تأیید دال بر نبود مزیت‌های نسبی نیست، بلکه دست‌اندرکاران تولید و تجارت قادر نیستند از آن به شکل بهینه بهره‌گیری نمایند.

دیدگاه‌های مختلفی درباره تجارت غیرنفتی به‌ویژه صدور محصولات صنعتی وجود دارد. نبود یک دیدگاه مشترک و سیاست‌گذاری در راستای آن، عمده‌ترین معضلی است که وجود دارد.

در این گزارش به بررسی دیدگاه‌های موجود درباره وضعیت صادرات محصولات صنعتی می‌پردازیم.

صادرات صنعتی از دید مسؤولان و کارشناسان

دیدگاه‌های موجود در بخش صادرات صنعتی

وزیر صنایع عقیده دارد: استعدادها و توانمندی‌های بخش صنعت در سایر بخش‌های اقتصادی وجود ندارد و توجه جدی به توسعه و رفع مشکلات صنعت ضروری است.

مهندس غلامرضا شافعی گفت: اگرچه برخی بخش کشاورزی را محور توسعه می‌دانند، ولی کشاورزی زمانی خودکفا می‌شود که از صنعت بهره بگیرد.

وی با اشاره به این نکته که اگر صنعت کشور قوی باشد، کشاورزی هم قوی خواهد شد، گفت: اکنون زمانی نیست که با امکانات ۵۰ سال گذشته محصولات کشاورزی تولید شود، لذا باید نیازهای کشاورزی از محل ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی که در بخش صنعت تولید می‌شود، تأمین گردد.

وی با مقایسه ارزش‌افزوده بخش صنعت در سال‌های قبل از برنامه و پس از اجرای اولین و دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی گفت: حتی در زمانی که ارزش تولید ناخالص داخلی ۱/۹ درصد کاهش داشت، ارزش‌افزوده بخش صنعت با ۴/۶ درصد رشد همراه بود.

مهندس شافعی تصریح کرد: در حال حاضر رشد مجموع فعالیت‌های اقتصادی کشور به ۶ درصد و رشد ارزش‌افزوده بخش صنعت به ۸ درصد در سال رسیده است.



وی معتقد است که تعیین گزینه ۸ درصدی برای کل اقتصاد در آینده به توانمندی دولت در بخش‌های مختلف ارزی و ریالی نیاز دارد. در صورت تأمین نیازهای ارزی و ریالی و افزایش بازده و بهره‌وری صنعت، برای بخش صنعت دستیابی به رشد ۱۱ درصد در سال غیرممکن نیست.

○ وزیر صنایع: استعدادها و توانمندی‌های بخش صنعت در سایر بخش‌های اقتصادی وجود ندارد. توجه به توسعه و رفع مشکلات صنعت ضروری است.

شافعی اظهار داشت: تردیدی نیست که هنوز ظرفیت‌های خالی زیادی در کشور وجود دارد که باید مورد استفاده قرار گیرد. تاکنون هفت میلیارد دلار برای راه‌اندازی طرح‌های صنعتی در کشور سرمایه‌گذاری شده، ولی برای تکمیل واحدهای نیمه‌تمام باید تلاش بیشتری کرد.

وی اظهار امیدواری کرد که تراز بخش صنعت در سال ۱۳۸۴ متوازن شود و این بخش با تأمین نیازهای ارزی خود، کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم را تأمین کند. در مقابل دیدگاه‌هایی که به توسعه صادرات به عنوان پایه فعالیت‌های اقتصادی می‌نگرند، دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که تأمین نیازهای داخلی، کاهش اتکاء به واردات و رسیدن به نقطه خودکفایی در تأمین نیازهای بازار داخلی را مبنای کار می‌دانند.

تجربه کشورهای موفق نشان داده است که آزادسازی اقتصادی در بخش‌های سرمایه‌گذاری و تجارت سبب افزایش درآمد حاصل از صادرات و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌شود.

مشکلات و تنگناهای نظام تجارت جهانی با موانعی که برای صادرات از سوی دولت‌ها وضع می‌شود، به محدودیت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود.

برخی کارشناسان معتقد هستند که با رشد بهره‌وری در تمام بخش‌های اقتصادی و حذف مقررات بازدارنده، باید صادرات تقویت شود.

این گروه اعتقاد دارند که از طریق رشد صادرات، می‌توان ارز مورد نیاز برای اجرای طرح‌های تولیدی که محصولات صادراتی را تأمین کنند، به دست آورد.

حضور در بازارهای جهانی، تجربه‌ای برای استفاده بهینه

از مزیت‌های اقتصادی است. برخی کارشناسان، آزادسازی تجاری به صورت لجام گسیخته را صلاح نمی‌دانند، اما اعتقاد دارند که می‌توان در این مسیر گام برداشت.

مزیت‌های نسبی را شناسایی کرد و صادرات غیرنفتی را هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری نمود.

آن‌ها می‌گویند: با پیروی از سیاست جایگزینی واردات در پانزده سال اخیر، صادرات کشور درحد کالاهای اولیه باقی مانده است و سرمایه‌گذاری روند روبه‌افزایش موردانتظار را نداشته است.

این گروه با اشاره به حذف نفت از مجموعه درآمد ارزی کشور می‌گویند: اگر نفت را حذف کنیم، کشور باید با درآمد ارزی سالانه حدود ۴ میلیارد دلار اداره شود که با توجه به جمعیت کسنونی و نیازهای اقتصادی آن، غیرممکن است. بنابراین تلاش برای رشد صادرات الزامی است.

کارشناسان می‌گویند: برای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی، ایجاد انگیزه لازم است. انگیزه برای سرمایه‌گذاری، رشد تولید کالاهای با کیفیت و قابل عرضه در سطح جهانی و نیز تلاش برای حضور موفق در رقابت‌های بین‌المللی.

آن‌ها اعتقاد دارند که در شرایط کنونی اقتصاد ایران، نه تنها فرهنگ صادرات جان‌فیتاده است، بلکه موانع و تشریفات اداری و قوانین و مقررات دست‌وپاگیر سبب می‌شود که انگیزه برای حضور در بازارهای بین‌المللی و رشد صادرات تضعیف گردد. این کارشناسان حیات اقتصاد کشور را در توسعه صادرات می‌بینند و تأکید دارند که جامعه برای صادراتی شدن و تولید محصولات صادراتی باید مهیا گردد. در این راستا اعتقاد کارگزاران نظام به ضرورت صادرات و تلاش دست‌اندرکاران بخش دولتی و خصوصی برای حضور موفق در بازارهای جهانی لازم است.

○ در صورت تأمین نیازهای ارزی و ریالی و افزایش بهره‌وری صنایع، برای بخش صنعت دستیابی به رشد ۱۱ درصدی غیرممکن نیست.

آن‌ها می‌گویند، مادامی که زمینه تأمین کالاهای صادراتی، نگرش لازم به کیفیت و نظرات مصرف‌کنندگان، بازاریابی و تبلیغات، ثبات قوانین صادراتی و تشویق صادرکنندگان فراهم

در این راستا، مزیت‌های نسبی شناسایی می‌شوند و برنامه صادرات (از سرمایه‌گذاری تا شروع تولید و عرضه محصول به بازار خارجی) قابل تدوین خواهد بود.

وی می‌گوید: در شرایط کنونی برای تولیدکننده تفاوتی ندارد که محصولش در بازار داخلی یا خارجی عرضه شود. چه بسا ترجیح می‌دهد که محصول خود را برای رهایی از تشریفات اداری مربوط به صادرات به بازار داخلی عرضه کند. حتی اگر در این شرایط تأمین نیازهای ارزی امکان استفاده از تمام ظرفیت تولیدی را برایش مقدور سازد.

وی گفت: در کشورهای که امروزه در ردیف صادرکنندگان عمده کالاهای صنعتی قرار دارند، تشویق‌ها و امتیازها به‌گونه‌ای طراحی شده که تولید کالا برای بازارهای خارجی، بیش از نیازهای بازار داخلی برای سرمایه‌گذاران جاذبه دارد.

○ اعتقاد کارگزاران نظام به ضرورت صادرات و تلاش دست‌اندرکاران بخش‌های خصوصی و دولتی برای حضور موفق در بازارهای جهانی، لازم است.

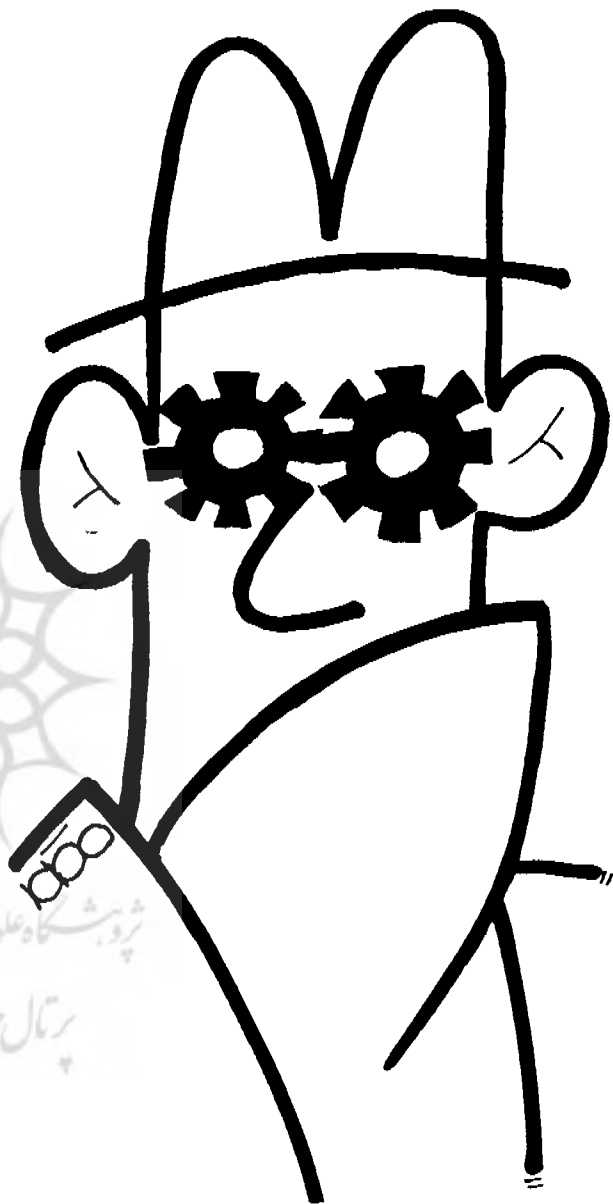
وی می‌گوید: اگر دولت جدید نیز بخواهد الگوی جایگزینی واردات را دنبال کند و به‌طور کلی به مقوله صادرات توجه نکند، امکان بهره‌برداری صحیح حتی از سرمایه‌گذاری‌هایی که تاکنون در اقتصاد کشور صورت گرفته است، وجود ندارد. زیرا در بسیاری از زمینه‌ها، سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای طراحی شده که مازاد برنیاز داخل است و عدم استفاده از ظرفیت نصب شده به معنای خواب سرمایه می‌باشد.

وی گفت: توسعه صادرات کالاهای صنعتی و معدنی ساخته و پرداخته شده، نیاز اصلی اقتصاد کشور است، زیرا با افزایش جمعیت و محدودیت منابع نفتی کشور در بلندمدت نمی‌توان به درآمد حاصله از نفت متکی بود و چنانچه از هم‌اکنون برای نفوذ در بازارهای منطقه‌ای و جهانی تلاش نشود، در ۲۰ سال آینده فقر در انتظار بسیاری از مردم می‌باشد.

وی معتقد است، از آنجا که تلاش تبلیغاتی مناسبی برای گسترش فرهنگ صادرات نشده است، اکثر مردم با بروز کمبود برخی محصولات در بازار داخلی، از دولت توقع دارند که به‌سرعت جلوی صادرات آن را بگیرد. واکنش دولت در

نباشد، صادرات غیرنفتی شکل مطلوب نخواهد گرفت.

یک کارشناس اقتصادی که در بانک ملی ایران فعال است، می‌گوید: مراد از توسعه صادرات، رشد صادرات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر مانند محصولات صنعتی و فرآورده‌های تبدیل شده معادن و کشاورزی است.



○ برای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی، انگیزه لازم است. انگیزه برای سرمایه‌گذاری، تولید محصولات استاندارد و حرکت به سوی بازارهای جهانی.

وی معتقد است که توسعه واقعی صادرات هنگامی محقق می‌گردد که مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و بخش خصوصی مکمل و تقویت‌کننده یکدیگر باشند.

سال‌های گذشته و در پاسخ‌گویی به این توقع مردم سبب شده که خساراتی به اقتصاد ملی وارد شود.

○ توسعه صادرات وقتی محقق می‌گردد که مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و بخش خصوصی مکمل و تقویت‌کننده یکدیگر باشند.

وی گفت: باید به این نکته توجه داشت که سرپاماندن صنعت کشور به تأمین نیازهای ارزی آن بستگی دارد و این نیازها باید از صدور محصولات این بخش تأمین شود، زیرا در بلندمدت امکان تأمین ارز صنعت از نفت، وجود ندارد.

یک کارشناس بانک صنعت و معدن معتقد است که تنها از طریق گسترش خصوصی‌سازی و احترام به فعالیت سازنده بخش خصوصی، مسیر رشد صادرات محصولات صنعتی باز می‌شود.

وی می‌گوید: در تمام دنیا صنعت و تجارت محصولات صنعتی به‌طور عمده در اختیار بخش خصوصی است و دولت تلاش می‌کند از طریق فراهم‌ساختن زمینه‌های مساعد دسترسی بخش صنعت به بازارهای خارجی را تسهیل نماید. وی گفت: دولت راه را برای تولید و تجارت بخش خصوصی باز می‌کند و تسهیلات موردنیاز را تأمین می‌نماید و در مقابل بخش خصوصی با پرداخت مالیات بردرآمد، هزینه‌های دولت را تأمین می‌کند.

این همیاری و همبستگی متقابل، منافع دولت و بخش خصوصی را تأمین می‌نماید و اقتصاد را به سمت رشد و توسعه پایدار هدایت می‌کند. اما متأسفانه در ایران، دولت تلاش می‌کند با مقررات و ضوابط زاید، پیوسته گریبان مدیران واحدهای صنعتی و معدنی را بگیرد و آن‌ها نیز در مقابل در پرداخت حقوق واقعی دولت از انواع ترفندها برای گریز از مالیات استفاده می‌کنند.

درواقع دولت و بخش خصوصی، رابطه همیاری و همبستگی متقابل ندارند و در این روند هر دو خسارت می‌بینند و رشد اقتصاد ملی به تعویق می‌افتد.

وی گفت: گسترش روند خصوصی‌سازی به تولید و تجارت کمک می‌کند. زیرا برای مدیران بخش خصوصی، انگیزه سود بهترین مشوق برای کاهش هزینه‌ها و حذف هزینه‌های قابل اجتناب، تلاش برای نفوذ در بازارها و ... است. این انگیزه

در مدیران دولتی وجود ندارد به همین جهت اتلاف منابع حیثی و میل در بخش دولتی به مراتب بیشتر از بخش خصوصی است.

این کارشناس با اشاره به عملکرد خوب واحدهایی که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، گفت: دولت می‌تواند در آینده با واگذاری واحدهای تحت تصدی خود به مردم و سرمایه‌گذاران خصوصی، منابع درآمد مناسبی را برای خود به‌وجود آورد.

از محل این منابع می‌تواند صنایع راهبردی و صنایعی که قادر به عرضه تولیدات خود به بازارهای جهانی باشد را راه‌اندازی کند و در مرحله بهره‌برداری به مردم واگذار نماید. این پروسه می‌تواند یک جریان مناسب سرمایه‌گذاری برای صادرات را تعیین کند.

وی افزود: با سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن و تولید فرآورده‌های استاندارد، نه تنها زمینه اشتغال برای جوانان فراهم می‌شود، بلکه می‌توان گام مؤثری در زمینه صادرات برداشت.

○ فقدان تبلیغات مناسب و شایسته برای گسترش فرهنگ صادرات، سبب شده که مردم در موقع بروز برخی کمبودها، از دولت توقع داشته باشند که جلوی صادرات را بگیرد و دولت نیز به این توقع‌ها پاسخ مثبت داده است.

وی با انتقاد از سیاست جلوگیری از صدور برخی کالاها اظهار داشت: زمانی که امکان حضور یک صادرکننده در بازار خارجی حتی برای یک دوره یک‌ساله از بین می‌رود، جبران این عقب‌ماندگی شاید به ۲ یا ۳ سال تلاش دوباره نیاز دارد. درحالی‌که می‌توان از محل واردات، کمبودهای مقطعی را مرتفع کرد و به حضور مستمر در بازارهای جهانی استمرار بخشید.